

بررسی نقش حضرت خدیجه (سلام الله علیها) در تربیت حضرت فاطمه سلام الله علیها

سمیه شیخی ملاشاهی^۱

چکیده

یکی از برترین زنان با شخصیت در جهان اسلام حضرت خدیجه (علیها سلام) هستند که به دلیل پاک دامنی شان در زمان جاهلیت او را طاهره می نامیدند. یک زن شاخص و نمونه ای از یک انسان رشد یافته و رشد بخش که عواملی چون شخصیت فردی، اجتماعی، عقیدتی، اخلاقی و نیز وراثت، خانه و خانواده در شکل گیری شخصیت این بانوی بزرگ تجلی یافته است.

خدیجه (علیها السلام) در اندیشه ی جامعه جهانی نو در روزگار پیش از بعثت تربیت الهی داشتند ایشان در زمانی می زیستند که زن از حقوق انسانی اش بطور کامل محروم بود. و همچنین او به اداره ی شریان مهم اقتصادی می پرداختند. که نشان دهنده ی خردمندی، کارآمدی و توانمندی در مدیریت اقتصادی ایشان بوده است.

از دیگر ویژگی های ممتاز ایشان؛ پیشتازی در اسلام آوردن و ایمان به خدا بود که حضرت فاطمه زهرا (علیها سلام) در دامن چنین مادری رشد یافتند که نتیجه ی چنین تربیتی پرورش یازده امام معصوم به جهان هستی و بشریت شده است. که همچنان می درخشند.

۱- سمیه شیخی ملاشاهی، بررسی نقش حضرت خدیجه سلام الله علیها در تربیت حضرت فاطمه (س)، حوزه علمیه خواهران صدیقه فاطمه، استاد گرزین، سال ۱۳۹۸.

اهمیت و ضرورت تحقیق اهداف و سوالات تحقیق ، مفهوم شناسی ، نگاه به تربیت خانواده به عنوان یک نگرش نظام توحیدی بررسی نقش حضرت خدیجه (علیها سلام) در تربیت حضرت فاطمه (علیها سلام) بانگرش توحیدی به عنوان مادری که با داشتن هدفی الهی توانست رسالت الهی که بردوش گرفته بود را به سر منزل مقصود برساند، این نگاه توحیدی و هدف الهی این بزرگ بانوی اسلام می تواند برای زنان و دختران جامعه ی امروز نمونه ای از یک الگوی کامل باشد.

ایشان با داشتن رویکردی الهی در تربیت دخت نبی مکرم اسلام حضرت فاطمه (علیها سلام) چنان تاثیر گذار بود که یازده امام معصوم از دامن دخت گرمی شان پرورش یافتند که نمونه های کاملی از انسان الهی با تربیت دینی و اسلامی که سر منشا خیرات و فیض عظیم در عالم هستند.

تربیت نقش کلیدی این بانوی بزرگوار اسلامی برای احقاق حق در برابر طاغوت و ظلم است که در هیچ دوره ای از تاریخ حق به تنهایی وجود نداشته بلکه همراه باطلی بوده که حق در برابر آن نمایان شده، عظمت نقش تربیتی حضرت خدیجه (علیها سلام) در بعد مهم و شاخص یعنی ولایت مداری دخت گرمی شان نمود پیدا کرد، اینکه ایشان پشت ولی زمانه خود بوده و علی (علیه السلام) را که حق مطلق بود رافریاد کشید و سعی در شناساندن ولایت به حق امام زمانش کرد و با صلابت ایستاد تا آنجا که جان پاک خویش را در راه امامش نثار کرد.

اشاره

انسان، شگفت انگیزترین آفریده خدای بزرگ و والاترین نشانه قدرت بی منتهای اوست. انسان، مستعد اتصاف به همه صفات و کمالات الهی است. او را خلق کرد تا به مقام قرب الهی و جانشینی خدا در زمین برسد و این سیر جز با تربیت صحیح محقق نخواهد شد. حقیقت انسان، ملکوتی است که با طی مراتب قوس نزولی در این عالم خاکی سکنی گزیده است و تربیت تنها راه دستیابی به آن حقیقت مقدس است.

پیام آوران الهی آمده اند تا زمینه های این تحول بزرگ را در وجود انسان فراهم آورند و آنان را از این برهوت ظلمانی به نور هدایت رهنمون گردند. تردیدی نیست که اگر انسان بر اساس معیارهای الهی تربیت نشود در همان مرتبه حیوانیت باقی خواهد ماند.^۱

قرآن کریم و سنت بهترین راه تربیت را که مبتنی بر شناخت حقیقت انسان و نیازهای اوست، ارائه می کند.

در این نوشتار برآنیم تا تربیت از دیدگاه اسلام را بررسی کنیم.

مفهوم شناسی تربیت

تربیت در لغت، به معنای پرورش دادن است که در آن نمو و زیادتى ملاحظه شده است. راغب می گوید: ربّ در اصل به معنای تربیت است و ربّ به طور مطلق فقط بر خداوند اطلاق می گردد که متکفل اصلاح موجودات است.

در قرآن کریم، مشتقات تربیت چندین بار به کار رفته است، از جمله:

الف) و تری الارض هامده فاذا انزلنا علیها الماء اهتزت و ربّت «حج/ ۵» زمین را خشک و بی حاصل می بینی، پس هنگامی که باران فرو می فرستیم تکانی می خورد و رشد و نمو گیاهان در آن آغاز می شود.

ب) و قل ربّ ارحمهما کما ربّیانی صغیرا «اسرا/ ۲۴»

بگو خدایا والدینم را مورد رحمت خود قرار ده همان طوری که آنان مرا در کودکی مورد

لطف و رحمت خویش قرار دادند.

بعضی از محققان می گویند: ربّ در جمله «ربّیانی» از ماده ربو است نه از ماده رب چون معنای تربیت، در نوع مواردی که به کار رفته عبارت است از نمو و زیادت جسمانی و پرورش مادی؛ و تربیت و سوق دادن به کمال و سعادت معنوی در اغلب موارد ملاحظه نشده است، البته تربیت به مفهوم عامّ آن همه مراتب نشو و نما و زیادتى را، اعم از مادی و معنوی، شامل می شود. بنابراین واژه «تربیت»، با توجه به ریشه آن، به معنای فراهم آوردن موجبات فزونی و پرورش است. علاوه بر این، تربیت به معنای تهذیب و از بین بردن صفات ناپسند اخلاقی نیز به کار رفته است. با این نگرش که تهذیب اخلاقی مایه فزونی مقام و منزلت معنوی است و از این حیث می توان تهذیب را نیز تربیت دانست.

اما در خصوص معنی و مفهوم اصطلاحی تربیت، اتفاق نظر وجود ندارد. هر مکتبی بر اساس مبانی فلسفی خود تعریف ویژه ای از آن ارائه داده است که به طور کلی آن ها را در سه دسته می توان طبقه بندی کرد.

۱- بعضی از دانشمندان معتقدند که باید قسمتی از اخلاقیات در وجود بشر تکوین پیدا کند و فضایل به صورت خوی و ملکه و عادت درآید به گونه ای که حتی در عالم خواب هم ضد آن اخلاق از او صادر نشود. چنانچه از (آیه الله حائری ره) نقل شده است که فرمود: من حتی در عالم خواب هم اگر زن نامحرم را ببینم چشم از او فرو می بندم.

بر اساس این باور، تربیت نوعی عادت است. باید صفات و ملکات اخلاقی را به صورت عادت در بیاوریم و کاری کنیم که مردم به کارهای خوب عادت کنند. مثلاً عادت کنند که نماز بخوانند و راستگو باشند، کارهای بد انجام ندهند و...

۲- عده دیگر از دانشمندان بر این باورند که انسان ها را به هیچ چیز خوب یا بد نباید عادت داد؛ زیرا عادت مطلقاً بد است؛ چون همین که چیزی عادت شد بر انسان حکومت می کند و انسان با او مأنوس می شود و لذا نمی تواند آن را ترک کند. کاری را که انجام می دهد نه از روی عقل و اراده اخلاقی است و نه از روی تشخیص بلکه به حکم عادت انجام می دهد و اگر انجام ندهد مریض می شود.^۱

تربیت قرآنی

در زمینه ی تربیت قرآنی حضرت آیت الله خامنه ای (مد ظله العالی) می فرمایند: هدف پیامبران از مجاهدت های مخلصانه راتشکیل نظام دینی و اقامه حق خواندند و خاطرنشان کردند درنظام اسلامی باید احکام و سبک زندگی اسلامی پیاده شود و فرهنگ جامعه در همه ی ابعاد منطبق بر آموزه های قرآنی باشد.^۲

اشاره

حضرت خدیجه (سلام الله علیها) پیشتازترین زن در تاریخ اسلام، در گرایش به حق و عدالت است، و این پیشتازی در اسلام، پیشگامی در ایمان، در نماز و نیایش با خدای یکتا و برپایی فرهنگ و منش متمدنی، و سبقت در دست بیعت دادن با پیامبر، از ویژگی های معنوی درخشان او به شمار میرود. به ویژه که در آن شرایط تیره و تاریک جاهلیت، مخصوصاً در مورد زنان و دختران، که بیشتر قربانی تاریک اندیش ها و تعصب های کور کورانه و خرافه سازی می شدند.

^۱ - <http://hawzah.net>

^۲ - farsi.khamenei.net . ۱۳۹۶/۰۱/۲۱

خدیجه (سلام الله علیها) هم به خاطر موقعیت اجتماعی و اقتصادی و مدیریتش، به طور طبیعی می بایست در اردوگاه مخالفان نهضت توحیدگرایان محمد صلی الله علیه و آله قرار بگیرد، نه در اردوگاه نواندیشان وروآوردگان وایمان آوردندگان به آموزه های ستم ستیز وحی و رسالت، تاجه رسد که از پیشتازان وپیشگامان اسلام وایمان و آزادی گردودوبرجایگاه پرفراز چهره های برجسته قراربگیرد.

سخنان دانشمندان درباره (خدیجه سلام الله علیها)

زبیر بن بکارگفته است : خدیجه (علیهاسلام) ، درعصرجاهلیت طاهره خوانده می شد. هشام بن محمد: رسول خدا(صلی الله علیه و آله) خدیجه رادوست داشت و به او احترام می گذارد ودر بعضی کارها با او مشورت می کرد.او وزیر صدیق وراستی بود ونخستین زنی است که به پیامبرصلی الله علیه و آله ایمان آورد وپیامبرتاوقتی که خدیجه (علیهاسلام) زنده بود،هرگزهمسر دیگری برنگزید.تمام فرزندانش بجز ابراهیم از خدیجه بودند.رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرموده است: سمیه قراعه گفته است، تاریخ در مقابل عظمت حضرت خدیجه (علیهاسلام) سر فرود می آورد ودر برابرش متواضعانه ودست بسته می ایستد^۱.

عوامل سازنده شخصیت حضرت خدیجه (علیهالسلام)

شخصیت سازنده و تاریخ ساز یک انسان رشد یافته و رشد بخش و یا عقب مانده و ویرانگر ساخته و پرداخته عوامل متنوعی است. این عوامل هستند که شخصیت فردی ، اجتماعی ، عقیدتی ، اخلاقی ، فرهنگی ، هنری ، مذهبی ، عاطفی ، سیاسی و معنوی هر انسانی را می سازند؛عوامل شخصیت پردازی چون : عوامل وراثت ، تغذیه جسم و جان ، عامل خانه و خانواده ،فرهنگ و آموزش و پرورش ، محیط به مفهوم گسترده آن، عامل حکومت و مهندسی ، اجتماعی و سیاسی و سرانجام اراده تاریخ ساز خود انسان؛و میدانیم که شرایط خانه و خانواده و شخصیت پدر و مادر و محیط خانوادگی - که نخستین آموزشگاه و محیط تربیت و کلاس آموزش و جایگاه رشد و شکوفایی هر انسانی است - چه اثرسرنوشت سازی درطراحی وپردازش شخصیت انسان دارد ؛چراکه افزون برنقش و وراثت درآینده ی درخشان یا تیره وتار او - شالوده وچارچوب شخصیت جسمی ،روحی، اخلاقی ، عاطفی ، فکری و...کودک نی در کانون خانه پی ریزی میگردد ،واین عامل حیاتی به گونه ای در مهندسی شخصیت فرزندان نقش حیاتی دارد که دانشمندان می گویند:هر انسانی،آینه تمام نمای شخصیت تاریخ ساز، خدیجه باید به نسب شریف وتبار

^۱. جمعی ازپژوهشگران حوزه علمیه قم ، زندگینامه حضرت خدیجه علیهاسلام ،چ مجله حوزه ،مرکزتحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان ،

قطعا فضائل و مقامات حضرت خدیجه بدون اسباب و علت نمی تواند باشد، عقل و عنایات و الطاف الهی، ریشه فضائل و مقامات اوست. « خدیجه با آنچه خداوند از بزرگی و خیر که نسبت به او اراده کرده بود، بانوی خردمند شریفی بود. او در آن دوران از برترین افراد در نسب و بزرگترین شخصیت در شرف و ثروت مندی بود. «ایمان خدیجه به پیامبر صلی الله علیه و آله و انتخاب او به عنوان همسر آینده، در کنار درایت و لطف الهی نقش تعیین کننده ای در فضائل و مقامات خدیجه (علیها سلام) دارد.^۱

جایگاه مادر در اسلام

هر چند همه ادیان الهی برای مقام مادر ارزش قائلند، ولی اسلام بیش از دیگر مکتب های دینی به این مسئله توجه کرده و به مادر احترام و عظمت بسیاری بخشیده است. حقوقی را که اسلام برای مادران در نظر گرفته، بسیار فراتر از حقوق دیگران، حتی پدران است؛ زیرا مادر، مربی انسان و در حقیقت، پرورش دهنده جامعه است و اوست که می تواند جامعه را به سوی سعادت یا شقاوت و بدبختی بکشانند. از این رو، به بررسی جایگاه مادر در قرآن و احادیث می پردازیم.

الف) قرآن کریم

با دقت در برخی آیات قرآن درمی یابیم که خداوند از مادر به عظمت یاد کرده و مقام وی را ستوده است. وحی و الهام مستقیم خدا به مادر موسی (علیه السلام)، اظهار ارادت و نیکی عیسی (علیه السلام) به مادر، بیان زحمت ها و رنج های مادر در قرآن کریم و همچنین دستور حق تعالی به احسان و نیکی به پدر و مادر، همه گواه والایی جایگاه مادر است. خدای متعال در آیه ۱۴ سوره لقمان، پس از سفارش به احسان والدین، در آیه ای دیگر به رنج و زحمتهایی که مادر برای فرزند متحمل می شود، اشاره می کند و می فرماید:

سوره احقاف آیه ۱۵: مادرش او (فرزند) را با ناراحتی حمل می کند و با ناراحتی بر زمین می گذارد و دوران حمل و از شیر باز گرفتنش سی ماه است تا زمانی که به کمال و رشد برسد و به چهل سالگی برسد. بیان رنج و تلاش مادر با اینکه پدر نیز در تربیت فرزند، شریک است، دلیلی بر اهمیت و ارزش کار مادر است. روشن است کسی نزد حق تعالی مقام بالاتری دارد که کار ارزشمندتری انجام دهد.^۲

۱. جواد، حسینی، مقام خدیجه در پیشگاه خدا و رسول اکرم (صلی الله علیه و آله)، مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، ص ۶.

۲. محمد، احسانی، نقش مادران در تربیت فرزندان، مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، ص ۲۸.

نکته مهم در آیات مربوط به احسان پدر و مادر این است که خداوند نخست به نیکی کردن به پدر و مادر دستور می دهد. سپس بدون بیان زحمت های پدر، مشکلات و ناراحتی های مادر را بیان می کند. گویی مادر، عامل اصلی در لزوم نیکی به والدین بوده و کار او چنان ارزشمند است که احسان به پدر را نیز بر فرزند واجب می سازد. اگر نبود صبر و پایداری مادر در برابر سختی های دوران بارداری و پذیرش ناگواری های طاقت فرسای دوره شیردهی و تربیت فرزند، شاید این گونه قطعی و حتمی به احسان والدین به صورت مطلق حکم نمی شد، چنان که در قرآن کریم، مسئله نیکی به پدر و مادر با عبادت خدای متعال یکسان معرفی شده است.

(ب) سنت رسول الله (صلی الله علیه و آله)

منظور از سنت پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله)، سخنان و منطق عملی و شیوه زندگی آن حضرت است. احترام به شخصیت و مقام مادر و رعایت حقوق وی در سیره نبی اکرم (صلی الله علیه و آله) به خوبی مشهود است.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در تبیین مقام مادر می فرماید: «الْجَنَّةُ تَحْتَ أَقْدَامِ الْأُمَّهَاتِ؛ بهشت، زیر پای مادران است»^۱ (منتخب میزان الحکمه، ص ۵۵۲) این حدیث به این معناست که بدون رضایت مادر، نمی توان به بهشت و نعمت های بهشتی دست یافت. اگر کسی بخواهد به درجات عالی بهشت برسد، باید به مادر احترام بگذارد و به او خدمت کند. این همه ارج نهادن به مقام مادر، شاید به دلیل زحمت هایی است که مادر می کشد. رنج و زحمت دوران بارداری و نوزادی و تأمین نیازهای جسمی و روحی فرزند از مشکلات طاقت فرسایی است که مادر با جان و دل تحمل می کند. طبیعی است که خداوند در برابر بردباری مادر، پاداشی بی پایان به او عنایت می کند.^۲

شماخانم ها دوتا شغل بسیار شریف دارید. یکی شغل تربیت فرزند، که این از همه ی شغل ها بالاتر است. یک فرزند خوب شما اگر به جامعه تحویل بدهید، برای شما بهتراست از همه ی عالم. اگر یک انسان شما تربیت کنید، برای شما به قدری شرافت دارد که من نمی توانم بیان کنم، پس شما یک شغلتان این ست که بچه های خوب تربیت کنید. دامن مادر هادامنی است که انسان از آن باید درست بشود. یعنی اول مرتبه تربیت، تربیت بچه است در دامن مادر؛ و برای اینکه علاقه ی بچه به مادر بیشتر از همه علایق هست و هیچ

^۱. محمد، محمدی ری شهری، منتخب میزان الحکمة.

^۲. محمد، احسانی، نقش مادران در تربیت دینی فرزندان، مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، ص ۲۹.

علاقه ای بالاتر از علاقه ی مادری و فرزند ی نیست، بچه ها از مادر بهتر مسايل را اخذ میکنند. آنقدری که تحت تاثیر مادر هستند، تحت تاثیر پدر نیستند، تحت تاثیر معلم نیستند، تحت تاثیر استاد نیستند. از این جهت بچه هايتان را در دامن تان تربیت اسلامی، تربیت انسانی بکنید تا وقتی تحویل می دهید شما این بچه رابه دبستان، یک بچه صحیح، اخلاق خوب، آداب خوب، آنطور تحویل بدهید.^۱

انبیا آمدند که انسان درست کنند، انبیا مامورند که افراد را - افرادی که بشر هستند و از همین با حیوانات فرق ندارند - آمده اند که این ها را انسان کنند؛ تزکیه کنند، مزکی کنند؛ پاکیزه کنند. شغل انبیا همین است و باید شغل مادرها همین باشد نسبت به بچه هایی که در دامنشان هست. بچه ها را از آن اول که در دامنشان هست تزکیه کنند. آنها با اخلاق خوب، با اعمال خوب در آنجا بچه ها بهتر تربیت میشوند. در دامن مادر، بچه ها بهتر تربیت می شوند تا در پیش استاد. آن علاقه ای که بچه به مادر دارد به هیچ کس ندارد. و آن چیزی که در چنگی از مادر می شنود یا می بیند، آن نقش می بندد در قلبش؛ و تا آخر همراهش هست. مادرها باید توجه به این معنابکنند که این بچه ها را تربیت کنند. مزکی تربیت کنند؛ یک مدرسه علمی - ایمانی باشد دامن هایشان، و این یک مطلب بسیار بزرگی است که از مادرها می آید. و از کس دیگری نمی آید. آنقدری که اخلاق مادر تاثیر دارد در بچه کوچولوی نرس و به او منتقل می شود از دیگران نمی شود. مادرها مبدا خیراند و اگر خدای نکرده نخواسته مادری باشد که بچه بد تربیت کند، مبدا شرورند.^۲

نتیجه گیری

یکی از موضوعات مهم و چالش برانگیز، نقش زن و موقعیت او در خانواده و جامعه است. با توجه به نقش مهمی که زنان دارند یعنی تربیت نسل نو، و همانطور که امام راحل فرمودند دامن مادر، بالاترین محل تربیت است و کودکان اگر در خانه خوب تربیت شوند تا آخر بر همین تربیت باقی خواهند ماند چرا که مبدا اصلی تربیت در خانه و در دامن مادر است و اگر مادر خود تربیت اسلامی داشته باشد فرزند ی صالح تحویل جامعه می دهد زیرا مادران مبدا خیر و شر خانواده و جامعه هستند.

درسیر تاریخی زندگانی حضرت خدیجه (علیها سلام) با توجه به نقش خانواده، پدر و مادر، نیاکان و مربیان و همه ی ارکان خاندانش، اصیل و ممتاز، درست کردار و با ایمان بوده اند و به مبارزه با استبداد آن روزگار می پرداختند.

^۱ بیانات امام و رهبری، ناشنیده هایی درباره قدرت و شکوه زن در کلام امام و رهبری، چ ششم، بیان معنوی، ۱۳۹۸، ص ۱۷.

^۲ صحیفه امام، ج ۹، ۲۶ / ۴ / ۱۳۵۸، ص ۱۳۶.

اودر خانه باوجود مادری باایمان وپاک منش وپدری مبارز واستقلال طلب پرورش یافت.برادرزاده خردمندواوزچهره هایی است که خدیجه (علیها سلام) بسیار از او اثرگرفت ومنش ومدیریت را از او اقتباس کرد ودراین بین عموی اندیشمند وتوحیدگرای او که ازمعنویتی ممتاز بهره مند بودنیز بی تاثیر نبوده است. این دو چهره روشن اندیش در کودکی وجوانی خدیجه بیشترین اثر رابراندیشه ومنش اوداشته اند.

تفاوت بینش ومنش خدیجه (علیها سلام) وناسازگاری اش با آداب رایج از یک سو وبه کاربردن سرمایه خویش در راه سازندگی وتجارت و سود عادلانه وگره گشایی برای مردم برخلاف آنچه که سرمایه داران آن روزگاربه رباخواری ومکیدن خون محرومان می پرداختند اوباتجارتی عادلانه به اقتصاد جامعه خون سالم تزریق می کرد.

خدیجه (علیها سلام) در روزگاری می زیست که زن از حقوق انسانی اش بطور کامل محروم بود زیرا در آن روزگاردختران زنده به گور می شدند او به اداره ی شریان مهم اقتصادی می پرداخت این امر نشان از خردمندی وکارآمدی وتوانمندی در مدیریت ایشان بوده است.

در روزگاری که خدیجه (علیها سلام) در اوج زیبایی وغرق در ثروت وامکانات ودر اوج اقتدار قرار داشت که در جهان عرب زن اشرافی به شب نشینی وبردگی جنسی تن می سپردند ایشان را به جهت پاک دامنی «طاهره» می نامیدند واز نظر دانش وبینش با دانشمندان وعالمان در گفتمان بود، او به دانش تعبیر خواب، شناخت ادیان ومذاهب ودر ادب وهنر سرآمد روزگار خویش بوده به گونه ای که خانه ی او مرکز انجمن ادبی وعلمی شهر بود.

واینکه حضرت خدیجه (علیها سلام) با انتخاب تحسین برانگیز وتاریخ ساز خود وپیشگامی اش در اسلام زمانی که به ساحل وجود پیامبر(صلی الله علیه وآله) می رسد آرام می گیرد واین انتخاب شگفت یکی از رازهای همانندی او بامریم وآسیه در سخنان پیامبر (صلی الله علیه وآله) است چراکه خدیجه هم مانند آنها آزمون های دشواری را در زندگی خویش از سرگذرانده وانتخابی خداپسندانه داشته وسرافراز از آنها بیرون آمده.

پیشتازی او در گرایش به اسلام، ایمان به خدا، در نماز وپرستش خدا، در بیعت آگاهانه با پیامبر (صلی الله علیه وآله) نشان از عمق ژرف اندیشی وکمال طلبی ایشان دارد. او که تمام ثروت واعتبار، آسایش وامنیت وعزیزترین سرمایه هایش را برای خدا وباری پیامبرش در طبق اخلاص نهاد وخدائیز کوثر هماره جاری قرآن را به او ارزانی داشت.

۱. احسانی، محمد، نقش مادران در تربیت فرزندان، مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان.
 ۲. ابومحمد عبدالملک بن هشام، سیره ابن هشام، جلد ۱.
 ۳. بیانات امام ورهبری، ناشنیده هایی درباره قدرت و شکوه زن، چاپ ششم، بیان معنوی، ۱۳۹۸.
 ۴. تهرانی، حسین، خصائص ام المؤمنین خدیجه الکبری علیها سلام، مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان.
 ۵. جمعی از پژوهشگران حوزه علمیه قم، زندگی نامه حضرت خدیجه علیها سلام، چاپ مجله حوزه، مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان.
 ۶. حسینی، جواد، مقام خدیجه در پیشگاه خدا و رسول صلی الله علیه و آله، مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان.
 ۷. حلبی، علی بن ابراهیم، سیره حلبی، جلد ۱.
 ۸. صحیفه امام، جلد ۹، ۱۳۵۸.
 ۹. کرمی فریدنی، علی، نگاهی نو به زندگی درخشان خدیجه س، چاپ ۱، سلمان فارسی، قم، ۱۳۸۵.
 ۱۰. کرمی فریدنی، علی، جلوه هایی از فروغ آسمان حجاز، چاپ ۲، دلیل ما، قم، ۱۳۸۳.
 ۱۱. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، جلد ۱۶.
 ۱۲. محمدی ری شهری، محمد، منتخب میزان الکمه.
 ۱۳. ورزنه، مهدی، ویژگی های معنوی حضرت خدیجه سلام الله علیها، مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان.
 ۱۴. ورزنه، مهدی، ویژگی های شخصیتی حضرت خدیجه سلام الله علیها، مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان.
۱۵. <http://hawzah.net>
۱۶. [farsi.khamenei](http://farsi.khamenei.net)